

## پیش‌بینی بنیان‌های اخلاقی بر پایه‌ی تعهد و تأمل دینی و سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت

مینو یکی‌تا/ دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین پیشوا yekitamino@gmail.com  
 ناصر آقابابائی/ استادیار گروه رفتاری، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی  
 naseragha@gmail.com (سمت)

مریم بهنام مرادی/ دکتری روان‌شناسی سلامت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین پیشوا  
 دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵

### چکیده

در این پژوهش، ضمن معرفی الگوی جدیدی از جهت‌گیری دینی، با نام «جهت‌گیری دینی چرخشی»، نقش تعهد و تأمل دینی و سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت (یعنی خودشیفتگی، ماکیاول‌گرایی، و جامعه‌ستیزی)، در پیش‌بینی بنیان‌های اخلاقی، گروهی از دانشجویان بررسی شد. ۱۹۰ دانشجوی در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و به «پرسش‌نامه‌ی بنیان‌های اخلاقی»، «مقیاس دوازده‌گانه‌ی سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت»، و «پرسش‌نامه‌ی جهت‌گیری دینی چرخشی» پاسخ دادند. روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بنیان اخلاقی انصاف/مقابله به مثل، توسط جهت‌گیری دینی اجتماعی و بنیان اخلاقی قدرت/احترام، توسط جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و نفع و بنیان اخلاقی پاک‌ی، توسط جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، نفع، و شک و رگه‌ی شخصیتی جامعه‌ستیزی، توانست بنیان اخلاقی انصاف را پیش‌بینی می‌کنند. جهت‌گیری دینی مرکزیت، با رگه‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی، رابطه‌ی منفی داشت. بین جهت‌گیری دینی شخصی و رگه‌ی شخصیتی جامعه‌ستیزی، رابطه‌ی منفی وجود داشت. جهت‌گیری دینی اجبار، با رگه‌ی شخصیتی جامعه‌ستیزی رابطه‌ی مثبت داشت. این یافته‌ها، حاکی از ارتباط پیچیده‌ی اخلاق دینداری، و شخصیت است.

کلیدواژه‌ها: بنیان‌های اخلاقی، تعهد و تأمل دینی، سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت.

بررسی آثار دینداری در سطح فردی و اجتماعی، یکی از موضوع‌های مهم روان‌شناسی دین است و پژوهش‌های بسیاری، دربارهٔ هریک از این آثار در دست است. جهت‌گیری دینی، یکی از مهم‌ترین مفاهیم‌ها در روان‌شناسی دین است. تأثیرگذارترین نظریه‌ای که تلاش در تعریف «انگیزه دینی» افراد داشت، نظریه جهت‌گیری دینی آلپورت است. مقیاس‌های جهت‌گیری دینی درونی و برونی آلپورت، با وجود کاربرد گسترده‌شان مورد انتقاد قرار گرفته‌اند (بروزینسکی (Brewczynski) و مک‌دونالد، ۲۰۰۶؛ هیل (Hill) و هود، ۱۹۹۹؛ هگ (Hoge)، ۱۹۷۳؛ کرکپاتریک (Kirkpatrick)، ۱۹۸۹؛ کراس و هود، ۲۰۱۳؛ تیپولوپولوس (Tiliopoulos)، بیکار (Bikker)، کاکسون (Coxon)، و هاوکین (Hawkin)، ۲۰۰۷). پژوهشگران دو اصلاح عمده در الگوی آلپورت ایجاد کردند. اصلاح اول، با معرفی مقیاس جست‌وجوگری بتسون (Batson) صورت گرفت (بتسون و شونرد (Schoenrade)، ۱۹۹۱). اصلاح دوم، به رهبری گورساج (Gorsuch)، به استخراج دو نوع جهت‌گیری برونی انجامید: فردی و اجتماعی (گورساج و مک‌فرسون (McPherson)، ۱۹۸۹). علی‌رغم تحسین اقدام‌های یادشده، دربارهٔ اعتبار این مقیاس‌ها، به‌ویژه مقیاس جست‌وجوگری، پرسش‌های بی‌پاسخی وجود دارند (واتسن (Watson) و موریس، ۲۰۰۵). از این‌رو، پژوهش برای سنجش بهتر جهت‌گیری دینی، ضروری است.

به‌تازگی کراس و هود (۲۰۱۳)، در تلاش برای تبیین ابعاد جهت‌گیری دینی، الگوی چرخشی تعهد - تأمل دینی را عرضه کردند. کراس و هود (۲۰۱۳)، برای عملیاتی کردن الگوی یادشده، پرسش‌نامه جهت‌گیری دینی چرخشی را ارائه کردند که از ۱۰ مقیاس، برای نشان دادن جهت‌گیری‌های دینی افراد استفاده می‌کند. فهرست جهت‌گیری تعهد و تأمل، برای حل کاستی و کمبودهای روان‌سنجی و نظری، مقیاس‌های پیشین طراحی شده است. در ضمن این مقیاس جهت‌گیری دینی (انگیزهٔ روی آوردن به دین یا روی برگرداندن از دین) را هم در افراد متدین و هم در افراد غیرمتدین می‌تواند بسنجد. در مدل چرخشی تعهد و تأمل کراس و هود (۲۰۱۳)، جهت‌گیری‌های ده‌گانهٔ دینی، با وجود و مقدار تعهد و تأمل دینی، از یکدیگر متمایز می‌شوند. از این‌رو، هر جهت‌گیری دینی، در یکی از این چهار رُبع قرار می‌گیرد: ۱. دارای تعهد / دارای تأمل؛ ۲. دارای تعهد / فاقد تأمل؛ ۳. فاقد تعهد / دارای تأمل؛ ۴. فاقد تعهد - فاقد تأمل.

در ربع دارای تعهد - فاقد تأمل، چهار جهت‌گیری دینی مرکزیت، شخصی، نفع، و تنبیه قرار می‌گیرند. جهت‌گیری دینی شخصی، عبارت است از: روی آوردن به دین برای دستیابی به راحتی، حفاظت، گذشت، و به صورت کلی کمک. جهت‌گیری دینی مرکزیت عبارت است از: میزانی که دین در زندگی فرد مهم و محوری است. جهت‌گیری به دو چیز می‌پردازد: از یک‌سو، چه اندازه به دین به‌عنوان روشی برای دستیابی به ثروت، سلامت، موفقیت و سایر خواسته‌های شخصی سودمند است، و از سوی دیگر، چه اندازه دین به دلیل ترس از خدا، با کوشش

آگاهانه برای پرهیز از مجازات الهی، و باور به اینکه رخدادهای منفی مهارشدنی و معنادار هستند، انسان را تنبیه می‌کند. در ربع دارای تعهد - دارای تأمل جهت‌گیری دینی، علاقه قرار دارد. علاقه عبارت است از: میزانی که فرد از یادگیری، مطالعه و صحبت دربارهٔ دین و مفهومی‌های دینی لذت می‌برد (کراس و هود، ۲۰۱۳). در ربع فاقد تعهد - دارای تأمل جهت‌گیری‌های دینی شک، تردید و گفت‌وگو قرار دارند. جهت‌گیری شک، عبارت است از: میزانی که فرد از شک‌های دینی‌اش لذت می‌برد و برای آنها ارزش قائل است. جهت‌گیری شک، نوعی انگیزش درونی به سوی تردید در دین، نه به سوی خود دین است. جهت‌گیری دینی تردید، اشاره به اندازه‌ای که فرد منتقد از خود و نامطمئن از اعتبار عینی باورهایش دربارهٔ دین دارد؛ خواه این باورها دینی باشند، خواه غیردینی. جهت‌گیری دینی گفت‌وگو، عبارت است از: اندازه‌ای که باورهای فرد دربارهٔ دین با تجربه‌هایش در گفت‌وگو حکایت دارد. در ربع فاقد تعهد - فاقد تأمل جهت‌گیری‌های دینی، اجبار و اجتماعی قرار دارند. جهت‌گیری دینی اجبار، شامل فقدان تعهد همراه با نگاهی ساده‌لوحانه به دین و فقدان کنجکاوی دربارهٔ دین است. جهت‌گیری اجتماعی، میزان اشتغال فرد به دین، به‌منظور دوست یافتن یا دیدن دوستان و دیگر آشنایان است (کراس و هود، ۲۰۱۳).

لازم به یادآوری است که الگوی کراس و هود (۲۰۱۳) و روایی پرسش‌نامه آنان هم در نمونه‌های آمریکایی و هم در نمونه‌های رومانیایی تأیید شد. پژوهشی جدیدتر، ساختار پرسش‌نامه آنان را در نمونه‌ای معرف از جامعهٔ آمریکا نیز تأیید کرد (ایزاک (Isaak) و همکاران، ۲۰۱۷). علاوه بر این، روایی و پایایی نسخهٔ فارسی پرسش‌نامه در ایران تأیید شده است (آقابابایی و همکاران، زیر چاپ).

روان‌شناسان رابطهٔ دینداری را با گسترهٔ متنوعی از متغیرها پژوهش کرده‌اند. یک دسته از این متغیرها، در حوزهٔ اخلاق جای دارد. اخلاق بخشی جدایی‌ناپذیر زندگی انسان است. بشر، سال‌ها در تلاش بوده تا این موضوع مهم را به حوزهٔ آگاهی کشانده و شناخت خود را دربارهٔ آن بیفزاید. روان‌شناسان، در پی تبیین این مسئله‌اند که چرا مردم به شیوه‌های اخلاقی، یا غیراخلاقی عمل می‌کنند (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰). کلبرگ زمینه‌ای جدید از روان‌شناسی اخلاقی را بنیان نهاد. او نظریهٔ بزرگی را بر پایهٔ بررسی پیشرفت درک کودکان از عدالت ایجاد کرد. کلبرگ، گیلیان و توریل، همه بر این باور بودند که اخلاق عبارت است از اینکه افراد چگونه در ارتباط با دیگران عدالت، مراقبت، و احترام را رعایت می‌کنند (گراهام (Graham)، کلاوا (Koleva)، آیر و همکاران، ۲۰۱۲). درحالی‌که حوزهٔ اخلاق، گسترده‌تر از نگرانی‌های مبتنی بر عدالت، مراقبت، و همدلی است. هایت (Haidt) و جوزف (Josef) (۲۰۰۴)، آثار و پیشینهٔ پژوهشی روان‌شناسی تحولی و انسان‌شناسی را به دقت بررسی کردند. آنان به دنبال فضیلت‌هایی در حوزه‌های قواعد اخلاقی بودند که در بین فرهنگ‌ها مشترک هستند. هایت و گراهام (۲۰۰۷)، نظریهٔ بنیان‌های اخلاقی را عرضه کرده و پس از تغییر و اصلاح لازم، در نهایت پنج بعد زیر را به دست دادند: ۱. آسیب / مراقبت؛ ۲. انصاف / مقابله به مثل؛ ۳. درون‌گرویی / وفاداری؛ ۴. قدرت / احترام؛ ۵. پاکی / تقدس (گراهام، نوزاک (Nosek)، هایت، آیر، دیتو (Ditto)، ۲۰۱۱).

«آسیب / مراقبت»، اشاره به اهمیت دادن به احساس درد و رنج دیگران دارد و به فضیلت‌هایی چون مهربانی مربوط می‌شود. «انصاف / مقابله به مثل»، شامل درک مفهوم‌هایی مانند عدالت، برابری، حقوق فردی، و نوع دوستی متقابل است در «درون‌گروهی / وفاداری»، مبتنی بر حس وابستگی و تعهد ما، به گروه‌های خودی و پرهیز از افراد خارج از گروه است. «قدرت / احترام»، شامل اطاعت، انجام وظایف، حفظ سنت‌ها، (صرف نظر کردن از خواسته‌های شخصی)، ارزش گذاشتن به تبیت، و احترام به چهره‌های قدرت، در یک نظام سلسله‌مراتبی است. «پاکی / تقدس»، به نجابت، حفظ خلوص ذهنی (نداشتن افکار ناپاک)، خدا، یا هنجارهای دینی اشاره دارد (کولوا، آیر، گراهام، و همکاران، ۲۰۱۴). هریک از بنیان‌های یادشده، توسط انبوهی از عامل‌های درونی و بیرونی گسترش، تضعیف و یا تعدیل می‌شوند. شخصیت و دین، از دو تا از این عامل‌ها هستند (آقابابائی و همکاران، ۱۳۹۶). طی سده‌ها، حیات اخلاقی و زندگی دینی پیوندی تنگاتنگ داشته، حتی یکسره با هم آمیخته‌اند. دربارهٔ رابطهٔ دوطرفهٔ دین و دینداری، با پایبندی اخلاقی در حوزه‌های گوناگون بحث شده است. اعتقاد رایج بر این است که سطح دینداری، سپهر اخلاقی را حمایت می‌کند (سراج‌زاده و رحیمی، ۱۳۹۴). دینداری و اخلاق رابطهٔ همزیستی دارند، و هریک از آنها، می‌توانند از دیگری نشئت گیرند و یکدیگر را تقویت کنند (کلجو Keljo) و کریستنسون (Christenson، ۲۰۰۳). در ادامه، به مرور برخی پژوهش‌های بررسی‌کنندهٔ رابطهٔ دینداری و اخلاق می‌پردازیم:

*بابولیا (Bulbulia)* و همکارانش (۲۰۱۳)، نشان دادند که بین بنیان «قدرت / احترام» و جهت‌گیری‌های دینی جست‌وجوگری و درونی، رابطه منفی و بین بنیان «پاکی / تقدس» و جهت‌گیری دینی درونی، رابطهٔ مثبت وجود دارد. *هونگوی (Hongweia)* و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که حضور در مراسم دینی، رابطهٔ مثبت با صداقت علمی دانشجویان داشت. *بیر (Baier)* و *رایت (Wright)* (۲۰۰۱)، نشان دادند که باورها و رفتارهای دینی، تأثیری بازدارنده بر رفتارهای فردی مجرمانه و غیراخلاقی، همچون مصرف مواد، بزهکاری، و جنایت دارند. *باتیستا (Battista)* و همکارانش (۲۰۱۸)، نشان دادند با توجه به نقش تاریخی و بنیادی دین کاتولیک در جامعهٔ ایتالیایی و زندگی سیاسی بنیان‌های اخلاقی پیوندگرایانه (یعنی «درون‌گروهی / وفاداری»، «قدرت / احترام»، «پاکی / تقدس») به‌ویژه در گروه‌های کاتولیک با ارزش شمرده می‌شود. *آقابابائی* و همکارانش (۲۰۱۴) نشان دادند که افراد دیندار، سطوح بالایی از رفتارهای اجتماع‌گرایانه را گزارش کرده‌اند.

یکی از متغیرهای مهم در پیش‌بینی نگرش و رفتار شخصیت است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شخصیت می‌تواند قضاوت اخلاقی، استدلال اخلاقی و رفتار اخلاقی را پیش‌بینی کند (آقابابائی، ۱۳۹۲). در سال‌های اخیر، این بحث افزایش توجه چشمگیری نسبت به مجموعه‌ای از رگه‌های نامطلوب شخصیتی به وجود آمده است که از آن با عنوان «سه‌گانه تاریک» اشاره می‌شود (آقابابائی و بلچینو Błachnio، ۲۰۱۵). رگه‌های سه‌گانه تاریک، به خودشیفتگی، ماکیاوول‌گرایی، و جامعه‌ستیزی اشاره دارد که مستقل، اما مرتبط با یکدیگرند. ماکیاوول‌گرایی، بیانگر

بهره‌کشی از دیگران در جهت منافع شخصی است. خودشیفتگی شامل آشکالی از بزرگ‌نمایی، استحقاق، سلطه، و برتری‌جویی است و جامعه‌ستیزی، مشکل از تکانشگری بالا، هیجان‌جویی، و فقدان همدلی است. این سه مولفه مرتبط، اما متفاوت، همگی به استعمار، سردی عاطفی، دورویی، پرخاشگری، و احساس مهم بودن اشاره دارد (پولهاوس (Paulhus) و ویلیامز (Williams)، ۲۰۰۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سطوح بالا، در رگه‌های تاریک شخصیت با قضاوت اخلاقی (جانسون و همکاران، ۲۰۱۵)، تحول اخلاقی (کمبل و همکاران، ۲۰۰۹)، عامل‌های شخصیتی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی (پولهاوس و ویلیامز، ۲۰۰۲)، صمیمیت زناشویی (برهانی‌زاده و عبدی، ۱۳۹۶) و ابرازگری هیجانی (امبری و سپهریان آذر، ۱۳۹۴)، ارتباط منفی دارند. ماکیاول‌گرایی و جامعه‌ستیزی، با هوش هیجانی، خویشننداری و آسایش، رابطهٔ وارونه داشته‌اند و خودشیفتگی، با آسایش و هوش هیجانی رابطهٔ مستقیم داشته است (پتریدس (Petrides) و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین، پژوهش‌ها بیانگر وجود روابط منفی بین رگهٔ شخصیتی جامعه‌ستیزی و بنیان‌های اخلاقی «آسیب / مراقبت» و «انصاف / مقابله به مثل» بودند (مددویچ (Mededovhic) و پتروویچ (Petrovic)، ۲۰۱۶؛ آهارونی (Aharoni) و همکاران، ۲۰۱۱؛ گلن (Glenn) و همکاران، ۲۰۰۹).

با توجه به آنچه گذشت، این پژوهش به این مسئله می‌پردازد که هریک از ابعاد سه‌گانهٔ تعهد و تأمل دینی و سه‌گانهٔ تاریک شخصیت، چه میزان می‌توانند هریک از بنیان‌های اخلاقی را پیش‌بینی کنند. انتظار می‌رود که از میان متغیرهای سیزده‌گانهٔ بالا (ده جهت‌گیری دینی و سه رگهٔ شخصیت)، بیش از یک متغیر با هریک از بنیان‌های اخلاقی همبسته باشند. همبستگی‌های متعدد مبنایی برای رگرسیون چندگانه‌اند. هدف رگرسیون چندگانه در این پژوهش، تعیین این نکته است که «کدام‌یک از متغیرهای مؤثر در ترکیب با یکدیگر، می‌تواند بهترین پیش‌بینی را از متغیر ملاک به عمل آورد» (گال و دیگران، ۱۹۹۶، ص ۷۵۳). به‌علاوه، روابط میان تعهد و تأمل دینی و سه‌گانهٔ تاریک شخصیت نیز بررسی خواهند شد.

### روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعهٔ آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا - ورامین، در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بود. نمونهٔ نهایی، مشتمل بر ۱۹۰ دانشجو (۱۵۸ زن و ۳۲ مرد) است که با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس، انتخاب شدند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان، ۲۱/۳۱ سال با دامنهٔ سنی ۱۸ تا ۳۵ سال بود. برای تحلیل داده‌ها، از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. شرکت‌کنندگان به مقیاس‌های زیر پاسخ دادند.

۱. پرسش‌نامهٔ بنیان‌های اخلاقی (MFQ): پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی، به اندازه‌گیری پنج بعد اخلاقی می‌پردازد: آسیب / مراقبت، انصاف / مقابله به مثل، درون‌گرویی / وفاداری، قدرت / احترام، و پاکی / تقدس. در

این پژوهش از نسخه ۲۰ گویه‌ای این پرسش‌نامه استفاده می‌شود که از دو بخش تشکیل شده است. در قسمت نخست، ارتباط پنج بنیان اخلاقی در تصمیم‌گیری درباره‌ی درستی یا نادرستی یک چیز سنجیده می‌شود. در بخش دوم، قضاوت‌های اخلاقی در راستای پنج بنیان اخلاقی سنجیده می‌شوند. خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه، پایایی بازآزمایی و درونی مناسبی داشته است. آلفای کرونباخ بنیان‌های پنج‌گانه، از ۰/۶۵ تا ۰/۸۴ گزارش شد (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱). حسن‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) ساختار عاملی نسخه‌ی فارسی این پرسش‌نامه را تأیید کردند.

۲. مقیاس دوازده‌گانه کثیف سه‌گانه تاریک: این مقیاس ۱۲ گویه‌ای، برای سنجش سه رگه‌ی تاریک شخصیت به کار رفت: خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی، و ماکیاول‌گرایی. در پژوهش‌های مختلف، روایی همگرا، واگرا، و سازه و پایایی درونی و بازآزمایی این مقیاس، در فرهنگ‌های مختلف از جمله ایران تأیید شده است (جانسون و وبستر، ۲۰۱۰). تحلیل عاملی، نسخه‌ی فارسی مقیاس ساختار سه عاملی آن را تأیید کرد. پایایی درونی مولفه‌های سه‌گانه نسخه‌ی فارسی، مقیاس، از ۰/۶۸ تا ۰/۸۸ به دست آمد (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴).

۳. پرسش‌نامه‌ی جهت‌گیری دینی چرخشی (CROI): کراس و هود (۲۰۱۳)، این مقیاس ۶۳ گویه‌ای را ساخته‌اند که براساس طیف لیکرت، پنج درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. پایایی درونی خرده‌مقیاس‌های ده‌گانه این پرسش‌نامه، عبارتند از: مرکزیت ۰/۹۱، شخصی ۰/۸۰، نفع ۰/۷۲، تنبیه ۰/۷۳، اجبار ۰/۷۸، اجتماعی ۰/۸۴، شک ۰/۷۷، تردید ۰/۷۷، گفت‌وگو ۰/۸۳، و علاقه ۰/۸۴ (ایزاک و همکاران، ۲۰۱۷). پایایی و روایی نسخه‌ی فارسی این مقیاس، در ایران تأیید شده است. آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های یاد شده، بین ۰/۶۴ و ۰/۹۴ و ضرایب بازآزمایی آنها، بین ۰/۶۵ و ۰/۸۸ گزارش شده است (آقابابایی و دیگران، زیرچاپ).

### یافته‌های پژوهش

همبستگی ابعاد تعهد و تأمل دینی، با بنیان‌های اخلاقی در جدول (۱) قابل مشاهده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هیچ‌یک از متغیرهای تعهد و تأمل دینی، با بنیان اخلاقی آسیب‌هم‌بسته نیست. بنیان اخلاقی انصاف، با جهت‌گیری اجتماعی و اجبار رابطه منفی دارد. بنیان اخلاقی وفاداری / درون‌گروهی، با جهت‌گیری مرکزیت، شخصی، و نفع رابطه مثبت دارد. بنیان اخلاقی پاکی، با جهت‌گیری مرکزیت، نفع، تنبیه، و علاقه رابطه مثبت و با جهت‌گیری شک، رابطه منفی دارد. بنیان اخلاقی قدرت، با جهت‌گیری مرکزیت، شخصی، نفع، تنبیه، و علاقه رابطه مثبت و با جهت‌گیری شک، تردید، و گفت‌وگو، رابطه منفی دارد. همبستگی بنیان‌های اخلاقی و سه‌گانه تاریک شخصیت نیز در جدول (۱) قابل مشاهده است. بنیان اخلاقی پاکی، با ماکیاول‌گرایی و جامعه‌ستیزی، رابطه منفی دارد. و نمره کل سه‌گانه تاریک، با بنیان اخلاقی انصاف و پاکی، رابطه منفی دارد. بنیان‌های اخلاقی آسیب و وفاداری، با هیچ‌کدام از متغیرهای سه‌گانه تاریک هم‌بسته نبود.



جهت‌گیری‌های دینی												
۵	مرکزیت							۱	*-.۱۷	-.۰۲	-.۲۲*	*-.۱۵
۶	شخصی						۱	**-.۴۵	-.۰۶	.۱۱	.۰۳*	-.۰۹
۷	نفع				۱	**-.۵۶	**-.۵۹	-.۰۸	.۰۰۶	-.۰۹	-.۱۱	-.۱۱
۸	تنبیه				۱	**-.۶۰	**-.۴۹	**-.۴۵	-.۰۳	.۰۴	-.۰۹	-.۰۳
۹	اجتماعی				۱	.۰۱۰	.۰۱۲	**-.۲۳	.۰۰۱	-.۰۴	.۰۰۸	.۰۰۲
۱۰	اجبار				۱	**-.۰۳۱	*-.۱۷	.۰۱۴	-.۰۳	.۰۱۳	*-.۱۷	.۰۰۶
۱۱	شک				۱	-.۰۰۸	-.۰۱۰	.۰۳۳*	-.۰۴۷	.۰۳۳*	-.۰۴۳	-.۰۰۶
۱۲	تردید				۱	**-.۰۲۸	-.۰۰۹	.۰۲۸*	.۰۳۹*	.۰۲۳*	.۰۳۸*	.۰۰۹
۱۳	گفت‌وگو				۱	*-.۱۸	**-.۰۳۵	.۰۱۱	.۰۰۵	.۰۱۱	-.۰۰۸	-.۰۱۲
۱۴	علاقه					-.۰۰۱	-.۰۲۱*	*-.۱۵*	.۰۰۵	**-.۰۲۰	**-.۰۲۸	**-.۰۳۹
									**-.۰۳۴	*-.۰۵۱	-.۰۰۵	.۰۰۲

\*p<+.۰۵

\*\*p<+.۰۱

برای بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی سه‌گانهٔ تاریخ شخصیت و تعهد و تأمل دینی، به‌عنوان متغیر مستقل از تحلیل رگرسیون چندمتغیری، به شیوهٔ هم‌زمان استفاده شد. براساس یافته‌های همبستگی (جدول ۱)، همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، رگهٔ شخصیتی جامعه‌ستیزی و جهت‌گیری دینی اجبار، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و بنیان اخلاقی انصاف، به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان دادند که بنیان اخلاقی انصاف، توسط رگهٔ شخصیتی جامعه‌ستیزی و جهت‌گیری دینی اجتماعی پیش‌بینی می‌شود. این متغیرها، در مجموع قادرند در حدود ۱۴ درصد از پراکندگی، نمره‌های بنیان اخلاقی انصاف را پیش‌بینی کنند.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون هم‌زمان برای پیش‌بینی بنیان اخلاقی انصاف

متغیرهای پیش‌بین	B	خطای استاندارد	بتا	t	سطح معناداری
عدد ثابت	۵.۱۰	.۰۱۶	-	۳۱.۲۲	.۰۰۰
جامعه‌ستیزی	-.۰۲۱	.۰۰۵۹	-.۰۲۵	-۳.۶۳	.۰۰۰
اجتماعی	-.۰۱۵	.۰۰۵۷	-.۰۱۹	۲.۷۵	.۰۰۰۷
اجبار	-.۰۰۷	.۰۰۵۹	-.۰۰۹	-۱.۲۳	.۰۱۸

براساس یافته‌های همبستگی (جدول ۱)، همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، جهت‌گیری دینی مرکزیت، شخصی، و نفع، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و بنیان اخلاقی وفاداری به گروه، به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان دادند که بنیان اخلاقی وفاداری به گروه، توسط هیچ‌یک از متغیرهای مرکزیت، شخصی، و نفع به صورت معناداری پیش‌بینی نشد.



۷۱ **◆ پیش‌بینی بنیان‌های اخلاقی بر پایه‌ی تعهد و تأمل دینی و سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت**

**جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی بنیان اخلاقی وفاداری / درون‌گروهی**

متغیرهای پیش‌بین	B	خطای استاندارد	بتا	t	سطح معناداری
عدد ثابت	۲.۷۷	۰.۲۶		۱۰.۲۹	۰.۰۰
مرکزیت	۰.۰۷	۰.۰۵	۰.۱۲	۱.۳۳	۰.۱۸
شخصی	۰.۰۶	۰.۰۷	۰.۰۷	۰.۸۸	۰.۳۸
نفع	۰.۳	۰.۰۷	۰.۰۵	۰.۵۴	۰.۵۸

براساس نتایج همبستگی (جدول ۱)، همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، شخصی، نفع، تنبیه، شک، تردید، گفت‌وگو، و علاقه، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و بنیان اخلاقی قدرت، به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان دادند که بنیان اخلاقی قدرت، توسط جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و نفع، به‌طور معناداری پیش‌بینی می‌شود. این متغیرها، در مجموع قادرند در حدود ۲۴ درصد از پراکندگی نمره‌های بنیان اخلاقی قدرت / احترام را پیش‌بینی کنند.

**جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای بنیان اخلاقی قدرت / احترام**

متغیرهای پیش‌بین	B	خطای استاندارد	بتا	t	سطح معناداری
عدد ثابت	۲.۱۲	۰.۵۹		۳.۵۸	۰.۰۰
مرکزیت	۰.۲۳	۰.۰۷	۰.۲۹	۳.۲۰	۰.۰۰۲
شخصی	۰.۰۳	۰.۰۸	۰.۰۳	۰.۴۴	۰.۶۶
نفع	۰.۱۷	۰.۰۹	۰.۱۹	۱.۸۹	۰.۰۶
تنبیه	-۰.۰۵	۰.۰۹	-۰.۰۵	-۰.۶۰	۰.۵۴
شک	-۰.۱۳	۰.۰۸	-۰.۱۲	-۱.۵۴	۰.۱۲
تردید	۰.۱۰	۰.۰۸	۰.۰۸	۱.۱۹	۰.۲۳
گفت‌وگو	-۰.۰۹	۰.۰۶	-۰.۱۰	-۱.۴۴	۰.۱۴
علاقه	-۰.۰۲	۰.۰۶	-۰.۰۳	-۰.۴۰	۰.۶۸

براساس نتایج همبستگی (جدول ۱)، همان‌گونه که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، رگه‌ی شخصیتی ماکیاول‌گرایی و جامعه‌ستیزی و جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، نفع، تنبیه، شک، و علاقه، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و بنیان اخلاقی پاکی، به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان دادند که بنیان اخلاقی پاکی، توسط جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، نفع، و شک، به‌طور معناداری پیش‌بینی می‌شود. این متغیرها، در مجموع قادرند در حدود ۲۴ درصد از پراکندگی نمره‌های بنیان اخلاقی پاکی را پیش‌بینی کنند.

**جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی بنیان اخلاقی پاکی**

متغیرهای پیش‌بین	B	خطای استاندارد	بتا	t	سطح معناداری
عدد ثابت	۲.۷۸	۰.۴۸		۵.۷۸	۰.۰۰
ماکیاول‌گرایی	۰.۰۰۸	۰.۰۹	۰.۰۰۶	۰.۰۸	۰.۹۳
جامعه‌ستیزی	-۰.۱۲	۰.۰۸	-۰.۱۰	۱.۴۹	۰.۱۳
مرکزیت	۰.۲۱	۰.۰۷	۰.۲۷	۲.۹۵	۰.۰۰۴
نفع	۰.۱۸	۰.۰۸	۰.۲۰	۲.۱۱	۰.۰۳
تنبیه	-۰.۰۹	۰.۰۹	-۰.۰۸	-۱.۰۶	۰.۲۸
شک	-۰.۱۶	۰.۰۸	-۰.۱۴	-۱.۹۳	۰.۰۵
علاقه	-۰.۰۲	۰.۰۶	-۰.۰۲	-۰.۳۶	۰.۷۱

## بحث و نتیجه گیری

این پژوهش، ضمن معرفی الگوی تعهد و تأمل دینی، به بررسی نقش تعهد و تأمل دینی و سه‌گانه تاریک شخصیت (خودشیفتگی، ماکیاول‌گرایی، و جامعه‌ستیزی)، در پیش‌بینی بنیان‌های اخلاقی پرداخت. یافته‌های این پژوهش، حاضر نشان داد که بنیان اخلاقی انصاف / مقابله به مثل، با جهت‌گیری‌های دینی اجتماعی و اجبار رابطه منفی دارد و جهت‌گیری دینی اجتماعی، توانست بنیان اخلاقی انصاف / مقابله به مثل را پیش‌بینی کند. جهت‌گیری دینی اجتماعی، میزان درگیری فرد در دین برای دوست یافتن یا دیدن دوستان و سایر آشنایان بوده، و یک جهت‌گیری دینی، بدون تعهد و تأمل است. این مقیاس، برای سنجش همان بعدی طراحی شده که مقیاس برونی اجتماعی (گورساج و مک‌فرسون، ۱۹۸۹) می‌سنجد. دینداری برونی اجتماعی، گرایش به انجام رفتارهای دینی همچون حضور در کلیسا، برای دست یافتن به منافع شخصی و اجتماعی و بیانگر فقدان تعهد و ایمان واقعی است (کراس و هود، ۲۰۱۳). در حقیقت، افراد با جهت‌گیری دینی برونی، از دین‌شان در جهت پیش بردن آرزوهای خودخواهانه‌شان استفاده می‌کنند (دارویری (Darvyri) و همکاران، ۲۰۱۴). درحالی‌که هایت (۲۰۰۸)، اخلاق را نظام‌های به‌هم‌پیوسته از ارزش‌ها و فضائلی می‌داند که خودخواهی انسان را تنظیم یا سرکوب می‌کند و نقش هر پنج بنیان اخلاقی را می‌توان در تشویق افراد به همکاری اجتماعی مشاهده کرد (گراهام و هایت، ۲۰۱۰). در نتیجه، انتظار می‌رود افراد با جهت‌گیری دینی اجتماعی، که فاقد تعهد، تأمل، و ایمان واقعی‌اند، براساس هدف‌های ابزاری و سودمندگرایانه در تلاش و تقلایشان برای تأمین امیال و نیازهایشان نمود پیدا می‌کنند و بیشتر درصدد خدمت به خویشان‌اند (پرتو، ۱۳۹۴). در بنیان اخلاقی انصاف، که شامل درک مفهوم‌هایی همچون عدالت، برابری، حقوق فردی، و نوع‌دوستی متقابل است (کولوا و همکاران، ۲۰۱۴)، نمره پایینی کسب کنند.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش، این بود که بنیان اخلاقی قدرت، با جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، شخصی، نفع، تنبیه، و علاقه رابطه مثبت و با جهت‌گیری‌های دینی شک، تردید، و گفت‌وگو، رابطه منفی داشت و جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و نفع، توانستند بنیان اخلاقی قدرت را پیش‌بینی کنند. مطالعات باتیستا و همکارانش (۲۰۱۸)، نشان داد با توجه به نقش تاریخی و بنیادی دین کاتولیک در جامعه ایتالیایی، بنیان‌های اخلاقی پیوندگرایانه، به‌ویژه در گروه‌های کاتولیک با ارزش تلقی می‌شود. ولی نتایج پژوهش بالبولیا و همکارانش (۲۰۱۳)، نشان داد بین بنیان اخلاقی قدرت / احترام و جهت‌گیری دینی درونی، رابطه منفی وجود دارد که این پژوهش، همسو نیست. جهت‌گیری دینی مرکزیت، عبارت است از: میزانی که دین در زندگی فرد مهم و محوری است. پژوهش کراس و هود (۲۰۱۳)، نشان داد که مرکزیت، همچون مقیاس دینداری درونی آلپورت، نوعی تعهد دینی نسبتاً بدون تأمل است و مقیاس درونی آلپورت، اساساً یک تعهد دینی را می‌سنجد. جهت‌گیری دینی نفع، به این موضوع می‌پردازد که تا چه اندازه به دین، به‌عنوان روشی برای دست یافتن به

ثروت، سلامت، موفقیت، و سایر خواسته‌های شخصی روی آورده شده است. برای کسی که نمرهٔ بالایی در این جهت‌گیری می‌گیرد، خدا در پاسخ مستقیم به باورها، درخواست‌ها، و رفتار فرد به وی پاداش می‌دهد. طبق الگوی آلپورت، بعد درونی باید پیش‌بینی کند که افراد مطابق باورها و ارزش‌های دینی‌شان عمل خواهند کرد، یا نه (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). از سوی دیگر، ادیان بزرگ جهان نیز شامل آموزه‌های اخلاقی فراوانی، در نشان دادن احترام به چهره‌های قدرت، اطاعت از قوانین و فرمان‌ها، انجام وظایف اجتماعی، و احترام به سنت‌ها و اصول دینی است. قرآن، افراد را به اطاعت از خدا، پیامبر ﷺ (نساء: ۵۹). همچنین احترام به والدین (اسراء: ۲۳)، فرامی‌خواند. مسیحیت و یهودیت نیز دارای دستوراتی برای اطاعت از خداوند و شامل فرامینی همچون احترام و عشق به والدین و قوانین‌اند (گراهام و هایت، ۲۰۱۰). در نتیجه، می‌توان انتظار داشت که افراد با جهت‌گیری دینی مرکزیت و نفع، در بنیان اخلاقی قدرت / احترام، که شامل اطاعت، انجام وظایف، حفظ سنت‌ها (صرف‌نظر کردن از خواسته‌های شخصی)، ارزش گذاشتن به تبعیت، و احترام به چهره‌های قدرت، در یک نظام سلسله‌مراتبی است (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱؛ فرناندز و همکاران، ۲۰۱۷)، نمرهٔ بالایی کسب کنند.

یافته دیگر این پژوهش، این بود که بنیان اخلاقی پاکی، با جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، نفع، تنبیه، و علاقه رابطهٔ مثبت و با جهت‌گیری دینی شک، رابطهٔ منفی دارد و جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، نفع، و شک، توانستند بنیان اخلاقی پاکی / تقدس را پیش‌بینی کنند. پژوهش *بالبولیا* و همکارانش (۲۰۱۳)، همسو با این پژوهش بود که رابطهٔ نیرومندی میان بنیان اخلاقی پاکی / تقدس و جهت‌گیری دینی درونی یافتند. همچنین، پژوهش‌های بیر و رایت (۲۰۰۱) و موسکاتی و مزوک (۲۰۱۴)، نشان داد که باورها و رفتارهای دینی، تأثیری بازدارنده بر رفتارهای فردی مجرمانه و غیراخلاقی، همچون مصرف مواد، بزهکاری، و جنایت دارند. بنیان اخلاقی پاکی / تقدس به خدا، یا هنجارهای دینی، نجابت، حفظ خلوص ذهنی (نداشتن افکار ناپاک) و احساس بیزاری از فاعیت‌ها، افراد، و اشیای ناپاک اشاره دارد. افراد پایبند به این بنیان اخلاقی، برای عفت، پاکی، و نظافت ارزش قائل‌اند (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱؛ فرناندز و همکاران، ۲۰۱۷). بنیان اخلاقی پاکی، نگرانی‌هایی نسبت به حرمت و بی‌حرمتی و انحراف‌های مادی و معنوی همچون ناتوانایی، در مهار کردن تکانه‌های پایه‌ای فرد، ایجاد می‌کند. این خود، زمینه‌گرایش ما به موجودی (مانند خدا) با مفهومی مقدس می‌باشد (کولوا و همکاران، ۲۰۱۴). بنیان اخلاقی پاکی و تقدس، مشابه اخلاق الوهیت (The ethic of divinity) شِودر (Shweder) است که با تکیه بر مفهوم‌هایی مانند خلوص، تقدس و گناه از الوهیت ذاتی هر فرد، در برابر آسیب ناشی از لذت‌طلبی خودخواهانه محافظت می‌کند (گراهام و همکاران، ۲۰۱۲). ادیان بزرگ، همواره به وضعیت ذهن و جسم عبادت‌کنندگان خود توجه داشته‌اند. قرآن، دارای احکام مربوط به پاکی و طهارت قبل از عبادت است (گراهام و هایت، ۲۰۱۰). همچنین، دین نظارت افراد بر رفتارهایشان را تقویت می‌کند. ادیان، پیروان خود را به مراقبه و

محاسبه روزانه اعمال خویش دعوت می‌کنند (تیبیک و همکاران، ۱۳۹۴). از حکمت‌های عبادت‌های دینی، پرورش دادن بعد اخلاقی وجود آدمی است. همه عبادت‌ها، به نوعی در خدمت اخلاقی شدن و اخلاقی ماندن انسان‌اند (فناپی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵). در نتیجه، دور از انتظار نیست که افراد با جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و نفع، در بنیان اخلاقی پاکی / تقدس، نمره بالایی کسب کنند. جهت‌گیری دینی شک، اشاره به میزانی دارد که فرد از شک‌های دینی‌اش لذت می‌برد و برای آنها ارزش قائل است. این نوعی انگیزش درونی است، اما به سوی تردید در دین، نه به سوی خود دین. جهت‌گیری دینی شک، فاقد تعهد دینی است و همبستگی منفی، با جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و نفع دارد.

در پژوهش‌های کراس و هود (۲۰۱۳)، جست‌وجوگری دینی بتسون، قوی‌ترین همبستگی‌ها را با سه جهت‌گیری دینی شک، تردید، و گفت‌وگو داشت. جست‌وجوگری، نوعی مقیاس دینی است که از بیرون دین برمی‌آید و نه شک بالغانه، که از درون دین ناشی می‌شود و بیانگر فقدان تعهد و باور دینی است. هر دینی، ملاک‌هایی را به پیروان خود عرضه می‌کند که بر پایه آنها اعمال شایست و ناشایست، از هم تمیز داده می‌شوند. دین، مجموعه‌ای از دلایل قانع‌کننده برای انجام رفتار اخلاقی عرضه می‌کند. بسیاری از افراد متدین، فضیلت‌های اخلاقی را با پیامدهای مثبت پس از مرگ گره می‌زنند، مثل باور به اینکه رفتار اخلاقی، موجب رستگاری می‌شود (تیبیک و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین، دور از انتظار نیست که افراد با نمره‌ای بالا در جهت‌گیری دینی شک، که فاقد تعهد و باور دینی هستند، در بنیان اخلاقی پاکی / تقدس، که اشاره به هنجارهای دینی نیز دارد، نمره پایین کسب کنند. گرچه جهت‌گیری دینی علاقه، با دو بنیان اخلاقی (قدرت و پاکی / تقدس) همبسته بود، اما در معادله‌های رگرسیون چندگانه‌ای، که در این پژوهش اجرا شدند، نتوانست آن دو بنیان را پیش‌بینی کند. متغیرهایی که به صورت همزمان وارد معادله رگرسیون می‌شوند، بر قدرت پیش‌بینی‌کنندگی هم تأثیر می‌گذارند و گاهی، موجب می‌شوند که یک متغیر، نتواند به صورت معناداری پیش‌بینی شود. چنین حالتی، نشان می‌دهد که متغیر «پیش‌بینی‌نکننده»، با سایر متغیرهایی که وارد معادله رگرسیون شده‌اند، همپوشانی دارد (گال و دیگران، ۱۹۹۶). در این پژوهش، جهت‌گیری دینی علاقه، با هفت جهت‌گیری دینی دیگر رابطه (و به عبارت دیگر همپوشانی) دارد. همین امر، موجب شده که در معادله پیش‌بینی، دو بنیان یادشده مقادیر معناداری را به دست ندهد.

نتایج این پژوهش نشان داد که رگه شخصیتی جامعه‌ستیزی، توانست بنیان اخلاقی انصاف را پیش‌بینی کند. وجود روابط منفی بین رگه شخصیتی جامعه‌ستیزی و بنیان اخلاقی انصاف، همسو با یافته‌های پژوهش‌های آهارونی و همکاران (۲۰۱۱) و گلین (Glenn) و همکارانش (۲۰۰۹) می‌باشد. همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رگه شخصیتی جامعه‌ستیزی، با قضاوت اخلاقی سودجویانه (گائو (Gao) و همکاران، ۲۰۱۳) و مشکل در پذیرش مسئولیت اخلاقی (گلانون (Glannon)، ۲۰۰۸)، همبستگی دارد. افراد با ویژگی‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی بالا،

بیشتر درگیر نقض قوانین در جهت دستیابی به هدف‌های سودمندانه می‌شوند. الگوی متمایز اخلاقی برای جامعه‌ستیزی، به‌ویژه افرادی که رفتارهای ضداجتماعی و تکانشی دارند، درک نکردن اعمال درست و غلط اخلاقی است. این گروه، بیشتر دست به پرخاشگری رابطه‌ای، از طریق فریب دادن و سوءاستفاده از روابط بین‌فردی، می‌زنند (دالین (Dahlen) و همکاران ۲۰۱۰). در نتیجه، می‌توان گفت: ویژگی‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی، ممکن است تأثیری منفی بر بنیان اخلاقی انصاف، که شامل فضیلت‌هایی چون انصاف و عدالت است و در تعامل‌های دوسویه با دیگران دیده می‌شود، داشته باشد.

این پژوهش، نشان داد جهت‌گیری دینی مرکزیت با رگه‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی، رابطه‌ی منفی داشت. بین جهت‌گیری دینی شخصی و رگه‌ی شخصیتی جامعه‌ستیزی، رابطه‌ی منفی وجود داشت. جهت‌گیری دینی اجبار، با رگه‌ی جامعه‌ستیزی رابطه‌ی مثبت داشت. نمره‌ی کل سه‌گانه‌ی تاریک، با جهت‌گیری دینی مرکزیت ارتباط منفی و با جهت‌گیری دینی اجبار، ارتباط مثبت داشت. جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و شخصی جهت‌گیری‌های اند که در آنها، دین جنبه‌ای محوری، معنابخش، و آرام‌بخش در زندگی فرد است (کراس و هود، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش‌های پیشین، نشان دادند که دینداری با عامل‌های شخصیتی توافق و وظیفه‌شناسی، رابطه‌ی مثبت دارد و همچنین، عامل صداقت - فروتنی، از نیرومندترین همبسته‌های شخصیتی دینداری است. این روابط، منعکس‌کننده‌ی دو جنبه‌ی از کارکردهای دین‌اند: ارتقای ثبات شخصیتی و افزایش رفاه دیگران و هماهنگی اجتماعی (آقابابایی و همکاران، ۱۳۹۳). افراد دیندار، سطوح بالایی از رفتارهای اجتماع‌گرایانه و سطوح پایینی از سه‌گانه تاریک شخصیت را گزارش می‌کنند (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴). در نتیجه، انتظار می‌رود که جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و شخصی با رگه‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی، که بیانگر فریبکاری، استثمارگری، دورویی، گرایش‌های ضداجتماعی، و بهره‌کشی از دیگران، در جهت منافع شخصی‌اند (پولهاوس و ویلیام، ۲۰۰۲)، رابطه‌ی منفی داشته باشد. جهت‌گیری دینی اجبار، اشاره به اندازه‌ای از فشار اجتماعی دارد که فرد برای متدین بودن یا عمل کردن احساس می‌کند و یک جهت‌گیری فاقد تعهد و تأمل دینی می‌باشد (کراس و هود، ۲۰۱۳). بی‌شک چنین جهت‌گیری‌ای، رابطه‌ی مثبت با رگه‌ی جامعه‌ستیزی داشته باشد.

بررسی روابط وجوه تاریک شخصیت، با سایر متغیرهای اخلاقی، می‌تواند به فهم ما از سهم این جنبه‌های تاریک شخصیتی در اخلاق کمک کند. استفاده از الگوی تعهد و تأمل دینی، در پژوهش‌های آینده، می‌تواند به یافته‌های جامع‌تر و غنی‌تری بینجامد. این پژوهش، محدود به استفاده از نمونه‌ی دانشجویی با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و استفاده از مقیاس‌های گزارش شخصی است. شایسته است در پژوهش‌های آینده، نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن، جنسیت، و وضعیت اقتصادی مطالعه شود، و جامعه‌های دیگری مانند جامعه‌ی عمومی بررسی شوند.

## منابع

- امیری، سهراب و فرهاد سپهریان آذر، ۱۳۹۵، «روابط ابرزگری هیجانی، عاطفه مثبت و عاطفه منفی با صفات سه‌گانه تاریک شخصیت»، *ابن‌سینا*، سال هجدهم، ش ۲، ص ۱۸۱۱.
- آقابابایی، ناصر، ۱۳۹۲، «فضاوت اخلاقی و شخصیت: پرونده‌ای برای اتانازی»، *معرفت اخلاقی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۱۰۷-۱۱۹.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۴، «نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه جهت‌گیری دینی با شادی و رضایت از زندگی»، *اسلام و پژوهش‌های روانشناختی*، سال اول، ش ۲، ص ۹۲-۷۷.
- آقابابایی، ناصر و همکاران، ۱۳۹۳، «رابطه شخصیتی هگزاگو با جهت‌گیری دینی، بهزیستی روانشناختی و فاعلی در دانشجویان ایرانی و کانادایی»، *مطالعات اسلامی و روانشناسی*، سال هشتم، ش ۱۴، ص ۵۳-۳۳.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۶، «بررسی روابط میان ویژگی‌های شخصیتی، بنیان‌های اخلاقی، و اخلاق کاری در دانشجویان ایرانی و کانادایی»، *روانشناسی فرهنگی*، سال اول، ش ۲، ص ۲۲-۱.
- برهانی‌زاده، شبنم و رضا عبدی، ۱۳۹۶، «نقش ابعاد مثلث تاریک شخصیت در پیش‌بینی صمیمیت و نگرش به خیانت زوجین متقاضی طلاق»، *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، دوره یازدهم، ش ۴، ص ۱۷-۲۶.
- پرتو، مسلم، ۱۳۹۴، «نقش جهت‌گیری مذهبی و وضعیت اقتصادی اجتماعی در تحول قضاوت اخلاقی نوجوانان دانش‌آموز»، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، سال اول، ش ۱، ص ۳۸-۱۱.
- تبیك، محمدتقی و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه انگیزش دینی و خودشناسی با فضائل اخلاقی»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، سال هفتم، ش ۱۲، ص ۱۴۸-۱۳۵.
- جهانگیرزاده، محمدرضا، ۱۳۹۰، «دیدگاه‌های شناختی تحولی در رشد اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، سال دوم، ش ۴، ص ۱۰۱-۱۲۲.
- حسن‌نیا، سمیه و همکاران، ۱۳۹۴، «رابطه علی سبک‌های دلبستگی با بنیان‌های اخلاقی از طریق واسطه‌گری هویت اخلاقی»، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ش ۱۸، ص ۹۸-۷۵.
- سراج‌زاده، سیدحسین و فرشید رحیمی، ۱۳۹۴، «مطالعه اثر دینداری بر پایبندی اخلاقی در یک جمعیت دانشجویی»، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ش ۱۶، ص ۷۶-۴۵.
- فناپی، ابولقاسم، ۱۳۸۴، *دین در ترازوی اخلاق: پژوهشی در باب نسبت میان اخلاق دینی و اخلاق سکولار*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- گال، مردیت و همکاران، ۱۹۹۶، *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، تهران، سمت.
- Aghababaei, N., & Błachnio, A., 2015, "Well-being and the Dark Triad", *Personality and Individual Differences*, N. 86, p. 365–368.
- Aghababaei, N., Krauss, S. W., Aminikhoo, M., & Issak, S. L., (in press), "The Circumplex Religious Orientation Inventory: Validity and reliability of a new approach to religious orientation in a Muslim population", *Psychology of Religion and Spirituality*.
- Aghababaei, N., Mohammadtabar, S., & Saffarinia, M., 2014, "Dirty Dozen vs. the H factor: Comparison of the Dark Triad and Honesty–Humility in prosociality", *religiosity, and happiness. Personality and Individual Differences*, N. 67, p. 6-10.
- Aharoni, E., Antonenko, O., & Kiehl, K. A., 2011, "Disparities in the moral intuitions of criminal offenders: The role of psychopathy", *NIH Public Access Author Manuscript*, N. 45(3), p. 322–327.

- Allport, G. W., & Ross, J. M., 1967, "Personal religious orientation and prejudice", *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 5, p. 432–443.
- Baier, C. J., & Wright, B. R., 2001, "If You Love Me, Keep My Commandments": A Meta-Analysis of the Effect of Religion on Crime", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, N. 38, p. 3-21.
- Batson, C. D., & Schoenrade, P., 1991, "Measuring religion as quest: 1 Validity concerns", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 30, p. 416–429.
- Battista, S. D., Pivetti, M., & Berti, C., 2018, "Moral Foundations, Political Orientation and Religiosity In Italy", *The Open Psychology Journal*, N. 11, p. 46-58.
- Brewczynski, J., & MacDonald, D. A., 2006, "Confirmatory factor analysis of the Allport and Ross Religious Orientation Scale with a Polish sample", *International Journal for the Psychology of Religion*, N. 16, p. 63–76.
- Bulbulia, J., Osborne, D., & Sibley, C. G., 2013, "Moral foundations predict religious orientations in New Zealand", *PLoS ONE*, N. 8(12), p. 1-6.
- Campbell, J., Aitken Schermer, J., Villani, V. C., Nguyen, B., Vickers, L., & Vernon, P. A., 2009, "A Behavioral Genetic Study of the Dark Triad of Personality and Moral Development", *Twin Research and Human Genetics*, N. 12(2), p. 132–136.
- Dahlen, E. R., Czar, K. A., Bullock, E. E., & Nicholson, B. C., 2011, "Psychopathic personality traits in relational aggression among young adults", *Aggressive Behavior*, N. 37, p. 207–214.
- Darviri, P., Pateraki, N., Darviri, C., Galanakis, M., Avgoustidis, A. G., & Vasdekis, S., 2014, "The Revised Intrinsic/Extrinsic Religious Orientation Scale in a sample of Attica's inhabitants", *Psychology*, N. 5, p. 1557-1567.
- Fernandes, S., Kapoor, H., & Karandikar, S., 2017, "Do we gossip for moral reasons? The intersection of moral foundations and gossip", *Basic and Applied Social Psychology*, N. 39(4), p. 218-230.
- Gao, Y., & Tang, S., 2013, "Psychopathic personality and utilitarian moral judgment in college students", *Journal of Criminal Justice*, N. 41, p. 342–349.
- Glannon, W., 2008, "Moral responsibility and the psychopath", *Neuroethics*, N. 1, p. 158–166.
- Glenn, A. L., Iyer, R., Graham, J., Koleva, S., & Haidt, J., 2009, "Are all types of morality compromised in psychopathy?", *Journal of Personality Disorders*, N. 23(4), p. 384–398.
- Gorsuch, R. L., & McPherson, S. E., 1989, "Intrinsic/extrinsic measurement: I/E-revised and single-item scales", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 28, 348–354.
- Graham, J., & Haidt, J., 2010, "Beyond beliefs: Religions bind individuals into moral communities", *Personality and Social Psychology Review*, N. 14(1), p. 140–150.
- Graham, J., Haidt, J., Koleva, S., Motyl, M., Iyer, R., Wojcik, S. P., & Ditto, P. H., 2012, "Moral foundations theory: The pragmatic validity of moral pluralism", *Advances in Experimental Social Psychology*, N. 2, p. 1-64.
- Graham, J., Nosek, B. A., Haidt, J., Iyer, R., Koleva, S., & Ditto, P. H., 2011, "Mapping the moral domain", *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 101(2), p. 366–385.
- Hill, P. C., & Hood, R. W., Jr., (Eds.), 1999, *Measures of religiosity*. Birmingham, AL, Religious Education Press.
- Hoge, D. R., 1972, "A validated intrinsic religious motivation scale", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 11, p. 369–376.
- Hongweia, Y., Glanzer, P. L., Johnson, B. R., Sriram, R., & Moore, B., 2017, "The association between religion and self-reported academic honesty among college students", *Journal of Beliefs & Values*, N. 38(1), p. 63–76.

- Isaak, S. L., James, R. J., Radeke, K. M., Krauss, S. W., Schuler, K. L., & Schuler, E. R., 2017, *Assessing religious orientations: Replication and validation of the Commitment-Reflectivity Circumplex (CRC) Model*, Religions, 8.
- Jonason, P. K., & Webster, G. D., 2010, "The Dirty Dozen: A concise measure of the Dark Triad. Psychological Assessment, 22(2), 420–432.
- Jonason, P. K., Strosser, G. I., Kroll, C. H., Duineveld, J. J., & Baruffi, S. A., 2015, "Valuing myself over others: The Dark Triad traits and moral and social values", *Personality and Individual Differences*, N. 81, p. 102–106.
- Keljo, K., & Christenson, T., 2003, "On the Relation of Morality and Religion: two lessons from James's Varieties of Religious Experience", *Journal of Moral Education*, N. 32(4), p. 385-396.
- Kirkpatrick, L. A., 1989, A psychometric analysis of the Allport-Ross and Feagin measures of intrinsic-extrinsic religious orientation. In D. O. Moberg & M. L. Lynn (Eds.), Research in the social scientific study of religion (Vol. 1, pp. 1–31). Greenwich, CT: JAI Press.
- Koleva, S., Iyer, R., Graham, J., Selterman, D., & Ditto, P., 2014, "The moral compass of insecurity: Anxious and avoidant attachment predict moral judgment", *Social and Personality Psychological Science*, N. 5(2), p. 185-194.
- Krauss, S. W., & Hood, R. W., 2013, *New approach to religious orientation: The commitment-reflectivity circumplex*, New York, NY: Rodopi.
- Medovich, J., & Petrovich, B., 2016, "Can there be an immoral morality? Dark personality traits as predictors of moral foundations", *Psihologija*, N. 49(2), p. 185-197.
- Moscato, A., & Mezuk, B., 2014, "Losing faith and finding religion: Religiosity over the life course and substance use and abuse", *Drug and Alcohol Dependence*, N. 136, p. 127-134.
- Paulhus, D. L., & Williams, K. M., 2002, "The dark triad of personality: Narcissism, machiavellianism and psychopathy", *Journal of Research in Personality*, N. 36(6), p. 556-563.
- Petrides, K. V., Vernon, P. A., Schermer, J. A., & Veselka, L., 2011, "Trait emotional intelligence and the Dark Triad traits of personality", *Twin Research and Human Genetics*, N. 14(1), p. 35-41.
- Tiliopoulos, N., Bikker, A. P., Coxon, A. P. M., & Hawkin, P. K., 2007, "The means and ends of religiosity: A fresh look at Gordon Allport's religious orientation dimensions", *Personality and Individual Differences*, N. 42, p. 1609–1620.
- Watson, P. J., & Morris, R. J., 2005, "Spiritual experience and identity: Relationships with religious orientation, religious interest, and intolerance of ambiguity", *Review of Religious Research*, N. 46, p. 371–379.